

# نقش "ساخت‌ها" در پژوهش‌های مدیریتی

دکتر علی رضائیان\*

## چکیده

"ساخت" مفهومی است که به صورت ارادی و آگاهانه برای هدف علمی خاص ابداع یا انتخاب می‌شود. "ساخت"‌ها نقش اساسی در ساختن نظریه‌های علمی دارند. یک مانع بزرگ برای دستیابی به سازگاری مطلوب میان خبرگی در پردازش داده‌ها با خبرگی مورد نیاز کاربرد، نقش غالب "ساخت"‌ها در پژوهش‌های مدیریتی است. "ساخت"‌های نامناسب می‌توانند کنجکاوای پژوهشگران را محدود ساخته و موجب شکل‌گرفتن نامناسب نظریه و تربیت نادرست نیروها شوند.

در این مقاله، نقش "ساخت"‌ها در پیشرفت علوم سازمان، "ساخت"‌های فراگیر و چرخه حیات آنها، چگونگی ظالمانه عمل کردن "ساخت"‌ها و بهترین راه اجتناب از ظلم "ساخت"‌ها مورد بررسی قرار داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ساخت، مفهوم، ساخت فراگیر، نقش، نظریه، تربیت.

\*\*\*

## مقدمه

درباره هر موضوع متداولی که در مدیریت مطلبی نگاشته می‌شود در پایان بر ضرورت و پیدایش اصلاحات روشی و نظری تأکید می‌شود. برخی از صاحب‌نظران این سنت نتیجه‌گیری توأم با پیشنهاد اصلاحات را برای پیشرفت علم مدیریت مفید می‌دانند (مکنزی<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۳۷۳). برخی دیگر، این بحث مهم را مطرح می‌کنند که مدیریت تغییر با پیشرفت تفاوت دارد. زیرا پیشرفت یک موضوع باید و نبایندی (اخلاقی) است نه یک موضوع فنی (پیت<sup>۲</sup> و دیگران، ۱۹۹۷، ص ۱۱۲). گروهی از صاحب‌نظران جهت‌گیریهای جدید امیدبخشی برای پژوهش‌های مدیریتی ارائه می‌کنند (لاندبرگ<sup>۳</sup> و دیگران، ۱۹۹۸، ۹۸) و بعضی از آنان توجه ما را به ایراد بنیادین در

\* دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

1- Kenneth D. Mackenzie

2- L.E. Pate

3- C.C.Lundberg

چگونگی انجام پژوهش‌های صورت پذیرفته تا به امروز جلب می‌نمایند و مدعی هستند که نظریه‌ها و روش‌ها به تنهایی برای علم زنده سازمان کافی نیستند. آنان بر این باورند که ابزارهای جدیدی باید ایجاد شوند و روش‌های مهندسی برای کاربرد کردن نظریه‌های در حال پیدایش برای حل مسائل جهان واقعی ضرورت دارند. این دسته از پژوهشگران زنجیره استدلال‌های خود را گسترش داده و این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا خبرگی در پردازش داده‌ها برای برآورده ساختن تقاضای مدیران مجرب کفایت می‌کند؟ آنان ادعا می‌کنند مدیران مجرب باید مشخص کنند که برای هر کاربرد معین چه نوع خبرگی مورد نیاز است تا متناسب با آن، خبرگی در پردازش داده‌ها در پژوهش‌های مدیریتی به دست آید (مکنزی و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۳۵۷).

## ساخت‌ها<sup>۱</sup>

یک مانع برای دستیابی به سازگاری مطلوب میان خبرگی با کاربرد، نقش غالب ساخت‌ها در پژوهش‌های مدیریتی است. ساخت‌ها ظالمانه عمل می‌کنند ساخت‌های نامناسب می‌توانند کنجکاوی پژوهشگران را محدود ساخته و موجب شکل گرفتن نامناسب نظریه‌ها و تربیت نادرست نیروها شوند به گونه‌ای که سرکوب را مجاز سازند. در حالی که ساخت‌ها نقش مهمی در علوم سازمان ایفا می‌کنند و می‌توانند پیشرفت آن را نیز محدود سازند. (مکنزی و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۳۷۴).

یکی از صاحب‌نظران "ساخت" را به عنوان مفهومی که به صورت ارادی و آگاهانه برای هدف علمی خاص ابداع یا انتخاب شده تعریف می‌کند (کرلینجر<sup>۲</sup> ۱۹۷۳، ص ۱۲۸). برای مثال از ساخت‌هایی نظیر تعهد سازمانی، سازمان‌های مجازی، عدالت، رضایت شغلی، اثربخشی سازمانی و بوروکراسی می‌توان نام برد. ساخت‌ها به ندرت قابل مشاهده‌اند و بر مبنای سایر اطلاعات استنباط می‌شوند صاحب‌نظر دیگری "ساخت" را به عنوان چیزی که دانشمند از تخیلات خود می

سازد و چیزی که به عنوان یک بعد رفتاری قابل مشاهده وجود خارجی ندارد تعریف می‌کند (ناتالی<sup>۱</sup>، ۱۹۶۷، ص ۸۵). به هر حال، "ساخت"‌ها نقش اساسی در ساختن نظریه‌های علمی دارند و متغیرهای قابل مشاهده، مأخذ عملی برای "ساخت"‌ها فراهم می‌آورند.

گاهی یک "ساخت" مانند رضایت شغلی به عنوان مأخذ برای "ساخت" دیگری نظیر تعهد سازمانی یا اثربخشی سازمانی به کار می‌رود هنگامی که "ساخت"‌ها با متغیرها می‌آمیزند حاصل آن ابهام و سردرگمی خواهد بود. یکی از پژوهشگران به خوانندگان آثار خود توصیه می‌کند که به هر واژه داده شده (نظیر: انگیزش، رضایت خاطر، کسب موفقیت، عملکرد و مانند آن) می‌توان به تناوب یک "مفهوم"، "ساخت" یا "متغیر" ارجاع داد. (استون<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸، ص ۳۲).

پژوهشگران اغلب اعتبار "ساخت" را مورد تأکید قرار می‌دهند. دو تن از پژوهشگران مستذکر می‌شوند بدیهی است که: «تعریف واحدی برای تمام ساخت‌هایی که درباره آنها می‌خواهیم قضیه‌ای را به اثبات رسانیم» وجود ندارد. آنان این امر را به عنوان یک حسن تلقی کرده و بیان می‌دارند که "در واقع جای بسی خوشبختی است که نمی‌توانیم تعاریف مورد قبول اکثریت برای بیشتر ساخت‌ها به دست آوریم" آنان همچنین مدعی هستند که اگر ویژگی‌های "ساخت"‌ها به طور موفقیت‌آمیز نه تنها در بسیاری از تداخلات جلوه‌های عملیاتی هر تعریف منفرد از "ساخت" بلکه در بیان تعاریف فراوان متداخل از همان "ساخت" نیز آزمون شوند از اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود (کوی<sup>۳</sup> و کمپبل<sup>۴</sup>، ۱۹۷۹، ص ۶۲ و ۶۳). این یک ادعای عجیبی است که می‌تواند منشأ صدمه اساسی باشد. برای هر علمی که چنین ابهامی را در شالوده‌های اساسی خود تحمل و تأیید کند بسیار عجیب و غریب خواهد بود.

1- J. C. Nunnally

2- E. Stone

3- T.D. Cook

4- D.T. Campbell

### "ساخت"‌های فراگیر<sup>۱</sup> (چترگونه)

دو پژوهشگر دیگر موضوع "ساخت"‌ها را در مقاله‌ای تحت عنوان "علم سازمان" به "ساخت"‌های فراگیر و چرخه حیات آنها گسترش داده‌اند. آنان "ساخت"‌های فراگیر را به عنوان "مفهوم یا فکر گسترده‌ای که آزادانه برای در برگرفتن و به حساب آوردن مجموعه‌ای از پدیده‌های گوناگون" ایجاد می‌شوند، تعریف کرده‌اند. "ساخت"‌های فراگیری که در رفتار سازمانی به کار می‌روند شامل مواردی نظیر: اثربخشی سازمانی، یادگیری، عملکرد، راهبرد، فرهنگ و مانند آن می‌گردد. اجماع نظر درباره چگونگی عملیاتی کردن یک ساخت فراگیر به ندرت حاصل می‌شود (هیرش<sup>۲</sup> و لوین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹، ص ۲۰۰). آنان چرخه حیات طبیعی را که با پدیدار شدن یک واقعه مهیج آغاز شده و به سوی چالش اعتبار یافتن پیش می‌رود برای "ساخت"‌های فراگیر ارائه می‌دهند. مرحله دوم چالش اعتبار، با مسائل ناشی از "داده"‌ها، معانی متنوع "ساخت"‌ها و نتایج ناپایدار سروکار دارد. مرحله سوم نوع شناسی‌هایی را پیش می‌کشد که برای شفاف‌سازی مرحله چالش اعتبار پیشنهاد می‌شوند. اما منظم و مرتب کردن ساختی که ذاتاً ابهام‌آمیز است به مرحله چهارم یعنی فروریختن "ساخت" منجر می‌گردد.

هنگامی فروریختن "ساخت" ممکن است رخ دهد که طرفین بحث بر "عدم توافق" به توافق رسند. به هر حال به ندرت می‌توان "ساختی" را نام برد که هنوز مورد استفاده نباشد ویژگی جالب "ساخت"‌های فراگیر این است که عدم دقیق بودن آنها مانع از میان رفتن آنها توسط "داده"‌ها یا مباحثه می‌شود. ابهام را همیشه می‌توان تعبیر و تفسیر مجدد کرد و بازیگری به کار برد، به ویژه هنگامی که متغیرهای به کار رفته برای آزمون آنها به نوبه خود "ساخت" باشند. از این رو "ساخت"‌ها شبیه صخره درون آبگیر یا جزیره نمای محصور است که با به هم پیوستن و اتحاد به رشد خود ادامه می‌دهد. ستاره‌های دریایی باید باشند تا در آغل نشخوار کنند و

1- Umbrella Constructs

2- P.M. Hirsch

3- D.Z. Levin

توده‌های ساخت‌ها را از میان بردارند.

یکی از صاحب‌نظران که در زمینه نوع متداول "مدل انحراف معیار" ویژه کاربرد "ساخت"‌ها سخن می‌گوید به جمع‌بندی منفی ذیل می‌رسد:

۱- بی‌ثباتی عامل درون بسیاری از کارهای پژوهشی قرار دارد. با کمال تأسف اگر پاسخ به همان نوع پرسش‌ها و با همان روش‌ها ادامه یابد پنجاه سال دیگر نیز بی‌ثباتی عامل در آن قرار خواهد داشت و فقط حجم آن دو برابر خواهد شد.

۲- انسان در مواجهه با پیچیدگی با استفاده از روش انباشته کردن کارهای پژوهشی احتمالاً به نظریه‌ای دست نخواهد یافت. پیچیدگی در علوم اجتماعی را نمی‌توان با چماق انبوهی از پژوهش‌های جدید و دارای متغیرهای مستقل تازه به تسلیم واداشت بلکه با مقابلهٔ مدبرانه می‌توان آن را از سر راه برداشت (مُهر، ۱۹۸۲، ص ۲۱۲).

برای شناخت "ساخت"‌های گوناگونی که رفتار سازمانی را تشریح می‌کنند باید "ساخت"‌های فراگیر را به چالش کشید. استفاده از مدل‌های انحراف معیار و روش‌های استاندارد آماری اجازهٔ رشد و انباشتگی به "ساخت"‌های ابطال‌ناپذیر می‌دهد.

یکی از پژوهشگران بر این باور است که با استفاده از نظریه‌های "فراگردی/نظری" می‌توان توصیفات ضعیف را آزمون کرد و آن‌ها را به نفع توصیفات قویتر حذف نمود تا نظریه‌ها بهبود یابند. (مکنزی، ۲۰۰۰<sup>۱</sup>، ص ۱۱۰).

اگر حاصل تشویق و دفاع از "ساخت"‌ها فقط مجاز دانستن افراد بیشتر برای چاپ مطالعات بی‌ربط و نادرست بیشتری باشد باید ضرر از دست رفتن کارآیی و فرصت‌ها را تحمل کنیم. با در نظر گرفتن "ساخت" فئودالیسم (بزرگ مالکی)، موضوعی که به نظر می‌رسد سال‌هاست از عناوین معمول در علوم سازمان حذف شده باشد این گفته که "ساخت"‌ها می‌توانند ظالمانه عمل نمایند یک قضاوت بیش

از حد تند به نظر نخواهد رسید.

### فئودالیسم

دوره‌ای از تاریخ اروپا که به قرون وسطای اصلی شهرت یافته (۱۱۰۰-۱۳۰۰ میلادی) و به طور معمول از آن به عنوان نظام فئودالی یاد می‌کنند. فئودالیسم واژه‌ای است که تاریخ‌نویسان قرن هفدهم میلادی برای توصیف یک "ساخت" خاص اجتماعی ابداع کرده‌اند و برای عطف به قرون وسطای اصلی بکار گرفته شد. فئودالیسم از آغاز برای توصیف رابطه‌ای خاص که "بزرگ مالکی" نامیده می‌شود تعریف گردید. بزرگ مالکی یعنی این که رعیت زمین، ملک یا دارایی ارباب را برای تمام عمر در اختیار خود می‌گرفت و در ازای آن از ارباب حمایت می‌کرد و نسبت به او وفادار می‌ماند. بزرگ مالکی فقط شامل رعیت‌ها می‌شد نه توده عظیم مردم جامعه. در قرن یازدهم برای بهبود روابط میان ارباب و رعیت که ائتلاف مبتنی بر سوگند وفاداری نسبت به یکدیگر می‌خوردند اعطای دارایی به رعایا متداول شد، این ترتیبات بزرگ مالکی نوعی توسعه به شمار می‌آمد و در قرن دوازدهم ائتلاف میان ارباب و رعیت بر پایه واگذاری دارایی از جانب ارباب به رعیت به طور روزافزونی به صورت استاندارد درآمد. (بوخارد، ۱۹۹۸، ص ۳۵).

در سه قرن مزبور مفهوم اصلی بزرگ مالکی گسترش و عمومیت یافت. بزرگ مالکی به صورت یک "ایسم - TSM" درآمد. واژه فئودالیسم بار معنایی بی‌شماری پیدا کرد. واژه فئودالیسم را دانشمندان و مطبوعات مشهور به طرق بسیار متفاوتی به کار می‌بردند. بسیاری از آن معانی انحصاری و حتی متناقض - به گونه‌ای که اغلب درباره‌ی نهادهای گوناگونی که به عنوان فئودالیسم توصیف می‌شوند نمی‌توان بحث مولدی کرد استنباط می‌کردند (بوخارد،<sup>۱</sup> ۱۹۹۷، ص ۳۵).

در سال ۱۹۷۴ یکی از مورخین مقاله‌ای تحت عنوان "ظلم یک ساخت"؛

فئودالیسم و تاریخ‌نویسان اروپای قرون وسطی "به رشته تحریر درآورده و پیشنهاد می‌کند که واژه فئودالیسم از بحث‌های عالمانه حذف گردد زیرا این واژه کاملاً از معنی اصلی خود تهی شده است. در واقع معنی "ساخت" فئودالیسم به بسیاری از معانی متضاد قلب و تحریف شده است (برون، ۱۹۷۴، ۱۰۷۰). این پیشنهاد مورد پذیرش دیگران نیز قرار می‌گیرد.

برخی از معانی همراه ساخت اصلی ترتیبات بزرگ مالکی میان رعایای هم مشرب عبارتند از: فئودالیسم به معنی متروک شده، از رده خارج شده، بنیان برقراری مزایای خاص، استثمار اقتصادی رعایا، نوعی بردگی، استثمار کارگران شهرنشین تحت حکومت سرمایه‌داری، نوعی سازمان سیاسی، یک مدل استثمار اقتصادی، نوعی نهاد اجتماعی، امتیازات قانونی خاص.

واژه‌هایی نظیر فرهنگ، کار، ساختار، هدف، به هم وابستگی، مخاطره و سازمان نیز مشابه فئودالیسم تغییر در معنی پیدا کرده‌اند. برای مثال گروهی از پژوهشگران ۲۴۹ شاخص کار را مورد بازنگری قرار داده‌اند (کوی و دیگران، ۱۹۸۱، ۱۹). برخی از پژوهشگران کوشیده‌اند معنی کار سازمانی را تشریح کنند ولی در ریگ‌های روان مفهومی گرفتار شدند (بریف<sup>۱</sup> و نورد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰، ۱۵۴). بدون در نظر گرفتن این امر ما به تعاریف متضاد می‌پردازیم، همان‌گونه که تاریخ‌نویسان به دلایل مفید بودن و غیر قابل چشم‌پوشی بودن واژه فئودالیسم به آن می‌پردازند.

یکی از پژوهشگران مدعی است "تا آنجا که به تربیت مربوط می‌شود" دانشجویان باید بدون شک از رهیافتی که به ناچار برداشت تضمین نشده‌ای از وحدت و انتظام ارائه می‌دهد و به طور ناروا به خاطر ریشه‌شناسی واژه، اهمیت بزرگ مالکی را مورد تأکید قرار می‌دهد منع شوند (برون، ۱۹۷۴، ص ۱۰۷۸). وی بر این باور تأکید دارد که با ارائه مدلی مجرد و تأکید زیاد بر کاربردی بودن و شمول عام دادن به آن، تنها وفادارترین افراد انگیزه خواهند یافت که از افراد و گروههایی که در

پشت این موضوع‌ها کمین کرده‌اند پیروی کنند. (برون، ۱۹۷۴، ص ۱۰۷۸). وی بیشتر خطر محدود شدن کنجکاوی را مورد بحث قرار می‌دهد. اساساً به کارگیری استانداردی که به طور مصنوعی ساخته شده و در آن اجزای معینی از بافت خود فاصله گرفته باشند بیهوده است و آنهایی که کارهای جامعه قرون وسطایی را بررسی می‌کنند با خطر محدود کردن بصیرت خود، و چولگی دیدگاه به دلیل اشتباه در ترتیب حقیقی وقایع روبرو بوده و در نتیجه قدرت پذیرش آنان در ارتباط با داده‌های گوناگون تضعیف می‌شود مگر آنکه، خود را از پیش فرض‌ها و مجموعه‌های همراه مدل‌های بیش از حد ساده شده، و تجربه‌هایی که با آنها عجین شده و به دانشجویان خود انتقال می‌دهند فاصله بگیرند (برون، ۱۹۷۴، ص ۱۰۷۹). یک "ساخت" ممکن است از مفهوم مطلوب خود تهی گشته، به گونه‌ای که هر نویسنده‌ای معنی دلخواه خود را به آن نسبت دهد.

اثبات سودمندی به طور بارزی چرخشی است زیرا واژگان عالمانه را می‌توان مورد تجدیدنظر قرار داد و کاربرد متداول آن را روشن ساخت. خلاصه آن که بسیاری از افراد هنوز مفهوم بی معنی فتودالیسم را بکار می‌برند. زیرا در حال حاضر به طور گسترده به کار برده می‌شوند.

واقعیتی که تجرید ناقص و مصنوعی مفهومی نظیر فتودالیسم هنوز به کار گرفته می‌شود نمونه‌ای واقعی از ظالمانه عمل کردن "ساخت" است. گذشته از این، یکی دیگر از پژوهشگران نشان می‌دهد که به دلیل استفاده از ساخت فتودالیسم و ناسازگاری سوابق تاریخی با آن؛ سوابق یا نادیده گرفته می‌شوند یا سوء تعبیر می‌گردند. بنابراین، یک ساخت می‌تواند هم به جستارگری کمک کند و هم مانع آن شود. هنگامی که "ساخت" ابزار ساختار یافته‌ای را برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات فراهم می‌آورد سودمند است. ولی هنگامی که به دلیل ناسازگاری برخی پدیده‌ها با آن، توجه ما را از آنها منحرف می‌گرداند بازدارنده است (مکنزی و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۳۷۷).

داستان واژه فتودالیسم متذکر می‌شود که "ساخت"‌های ناقص و عملیاتی نشده



ممکن است هرگز به مرحله افول ساخت در چرخه حیات خود نرسد. استفاده از مدل تعیین انحراف معیار مبتنی بر متغیرهای دارای تعریف نادقیق برای آزمون "ساخت" های ناقص مفهوم پردازی شده، مانع آزمون حساسیت مورد نیاز هر علمی برای نمایش پیشرفت تراکمی آن در جهت یک نظریه جامع می‌گردد. پیشرفت هر علم افول و حذف "ساخت" را طلب می‌کند. (بوخارد ۱۹۹۸، ص ۳۳۷).

برخی از دانشمندان علوم سازمان آنقدر به مجموعه‌های "ساخت" های چترگونه عادت کرده‌اند که به ندرت حضور آنها را متوجه می‌شوند "ساخت" های چترگونه کم‌کم جزء جدایی‌ناپذیر اندیشه و سخن ما و علم متداول می‌گردد. تلاش فکری، کنجکاو، استقامت و استقلال عمده‌ای می‌طلبد تا حضور ساخت‌ها را متوجه شده، آن‌ها را به چالش کشیده و حذف نماییم.

انسان تقریباً به انتخاب دیدی مخالف نیاز دارد. دیدگاهی مبتنی بر این پیش فرض که هر وقت جامعه دانشمندان بر روی "ساختی" به توافق رسیدند باید آن ساخت به نوعی معیوب باشد. آنگاه باید به یک عملیات "جستجو و محو" عالمانه دست زد (مکنزی و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۳۷۸).

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که رشته علمی ما چالش‌ها و فرصت‌های حاصل از شکل‌های جدید ارتباطات و پردازش اطلاعات به سرعت در حال پیدایش را درک کرده و تلفیق می‌کند "ساخت" های جدید برای پرداختن به این پدیده‌ها، پدیدار خواهند شد. اگر بخواهیم از ظلم "ساخت" ها در امان باشیم باید آنها و حتی ساخت‌های مفید نظیر بوروکراسی را به چالش بکشیم.

پدیده‌های سازمانی ثابت نیستند. ابداع‌ها، فناوری‌های جدید و تغییر در خدمت مواردی هستند که علوم سازمانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بدین ترتیب، انسان باید انتظار خلق "ساخت" های جدید را داشته باشد.

"ساخت" ها باید به چالش واداشته شوند و "ساخت" های بهتر جایگزین

ساخت‌هایی بشوند که سودمندی آنها سرآمده است. بهترین راه برای اجتناب از ظلم "ساخت"‌ها این است که به طور مستمر از طریق مباحثه‌های آزاد و صادقانه آنها را به چالش واداریم. برخی از "ساخت"‌ها به عنوان موارد خاص به حیات خود ادامه خواهند داد، بسیاری از آنها را باید نادیده گرفت و "ساخت"‌های جدید را پیشنهاد داد و ارزیابی کرد.



## منابع و مأخذ

- 1- Bouchard, C. Strong of Body, *Brave and Noble: Chivalry and Society in Medieval France*, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press.
- 2- Brief, A.P. and W.R. Nord, *The Meaning of Organizational Work*, Lexington, MA: Lexington Books, 1990.
- 3- Brown, E. "The tyranny of a construct: Feudalism and historians of medieval Europe", *American Historical Review*, 72, PP. 1063-1088, 1974.
- 4- Cook, T.D., S.J. Wall, and P.B. Warr, *The Experience of Work: A Compendium and review of 249 Measures and their Use*; New York: Academic Press., 1987.
- 5- Cook, T.D., and D.T. Campbell. *Quasi- experimentation: Design and analysis issues for field settings*, Boston: Houghton Mifflin, 1979.
- 6- Hirsch, P.M. and D.Z. Levin, "Umbrella Advocates Versus Validity Police: A Life-Cycle Model," *Organization Science*, No. 10, 1999, PP. 199-212.
- 7- Kerlinger, F. *Foundations of Behavioral Research*, 2nd edition, New York: Holt, Rinehart and Winston, 1973.
- 8- Mackenzie, Kenneth D.M. Afzalur Rahim and Robert T. Golembiewski, "The Tyranny of Constructs" in M.Afzalur Rahim, Robert T. Golembiewski and Kenneth D. Mackenzie (editors) *Current Topics in Management*, Volume G. New York: Elsevier Science Ltd., 2001.
- 9- Mackenzie, K.D. "Processes and their Frameworks, "*Management Science*". 46, 2000. PP. 110-125.
- 10- Mohr.L. *Explaining Organizational Behavior: The Limits and Possibilities of Theory and Research*, San Francisco: Jossey - Bass, 1982.
- 11- Nunnally, J.C. *Psychometric Theory*, New York: Mc Graw - Hill, 1967.
- 12- Pate, L.E., R.T. Golembiewski, and A.M.Rahim, "Managing Change

Versus Achieving Progress: Imags of an Ethical Future", In M.A. Rahim, R.T. Golembiewski, and L.L. Pate (Eds.) *Current Topics in Management*, Vol. 2, PP. 337- 348. Greenwich, Ct: JAT Press. 1997.

- 13- Stone, E. *Research Methods in Organizational Behavior*, Santa Monica, CA: Goodyear. 1978.

